

ارتقای کیفیت چاپ نمایشنامه‌ها در سال‌های اخیر



ایبنا: مجتبی واشیان، کارگردان «اسپیدی قرمز» درباره وضعیت انتشار نمایشنامه‌ها در بازار نشر می‌گوید: کیفیت چاپ نمایشنامه‌ها در سال‌های اخیر به شکل محسوسی ارتقا یافته است. هر بار که به کتابفروشی مراجعه می‌کنم، با آثار تازه و خوبی مواجه می‌شوم. در حوزه ترجمه نیز کارهای ارزشمندی در دسترس قرار دارد، به‌گونه‌ای که اکنون حدود ۱۳ تا ۱۴ اثر جمه شاخص در بازار موجود است، اما در زمینه تالیف، متأسفانه باید گفت که نمایشنامه‌نویسان ایرانی کمتر وارد عرصه انتشار می‌شوند. من خود نویسنده نیستم و تاکنون کتابی منتشر نکرده‌ام، اما به‌روشنی پیداست که تعداد نمایشنامه‌نویسانی که آثارشان به‌طور مستمر چاپ و عرضه شود بسیار اندک است. بسیاری از بزرگان این عرصه یا از دنیا رفته‌اند یا سال‌هاست فعالیتی در زمینه چاپ ندارند، البته در سال‌های اخیر دوباره روند انتشار نمایشنامه‌اندکی رونق گرفته است، اما پیش‌تر انتشارات نمایش به شکل منظم هر سال و به‌ویژه در ایام جشنواره، حدود ۲۰ تا ۳۰ نمایشنامه جدید منتشر می‌کرد و همین امر تأثیر قابل توجهی بر ذهنیت ما داشت.

از نظر من شخصاً جذاب است که همواره با نمایشنامه‌های تازه مواجه شوم، هر چند گاهی نیز حسرت می‌خورم، چراکه همچنان دوست دارم با متونی کاملاً نوین مواجه باشم؛ آثاری که برای امروز نوشته شده‌اند. خوشبختانه اکنون چنین متونی نیز در حال چاپ هستند. نویسندگان متأخری همچون نیل سایمون و مارتین مک‌دونا، اگر چه بسیار مطرح و به‌روز تلقی می‌شوند، اما باید اذعان کرد که آثارشان به دفعات تکرار شده است و تنوع چندانی در روایت به چشم نمی‌خورد. در این شرایط ایده‌های اجرایی متفاوت و شیوه‌های خلاقانه اهمیت ویژه‌ای دارند.



بیش از ۵۰درصد بودجه تولید فیلم خرج بازیگران می‌شود

ایبنا: سعید خانی، تهیه‌کننده فیلم «رها» با انتقاد از افزایش هزینه‌های ساخت تولید فیلم در سینمای ایران اظهار می‌کند: الان برای یک فیلم با بودجه کم و اصطلاحاً Low Budget با دو بازیگر متوسط حدود ۳۰ میلیون تومان باید خرج کرد، در صورتی که فیلم «رها» با رقمی کمتر از این قیمت، تولید شده بود. ما زمانی برآوردمان به این شکل بود که ۷۰درصد هزینه‌ها متعلق به عوامل بود و ۳۰درصد برای بازیگران ولی با تغییر شرایط، جای دستمزد بازیگرها با عوامل تغییر کرده است و الان بیش از ۵۰درصد بودجه تولید یک فیلم برای بازیگران خرج می‌شود. تمام اینها در حالی است که ما باید به بازگشت سرمایه هم فکر کنیم ولی چگونه؟ به نظر اگر فیلمی کمتر از ۶۰میلیارد تومان بلیت بفروشد، در گیشه شکست خورده مطلق است. اگر فیلم بین ۶۰ تا ۱۰۰میلیارد تومان بفروشد، می‌تواند حداقل به پول خود برسد و اگر بالای ۱۰۰میلیارد تومان بفروشد آن وقت می‌توان به سود فکر کرد و الان شرایط آکран بر همین اساس قابل تحلیل است.



تهیه‌کنندگان رغبتی به تولید فیلم کودک ندارند

مهر: مهیمل موفق از کارگردانان سینمای ایران تحلیل خود از وضعیت این روزهای سینمای کودک را چنین شرح می‌دهد: مشکل اصلی سینمای کودک این است که تهیه‌کنندگان و سرمایه‌گذاران رغبت کافی برای تولید این نوع فیلم‌ها ندارند. بازار محدود، سودآوری پایین و شناخت ناقص ذائقه نوجوانان، ریسک اقتصادی پروژه را بالا می‌برد، در نتیجه کارگردان‌ها معمولاً ترجیح می‌دهند وقت و انرژی خود را صرف پروژه‌هایی کنند که حمایت مالی و امکان تولید مطمئن‌تری دارند و از هدررفتن زمان‌شان جلوگیری شود. علاوه بر این، مخاطب نوجوان امروز توقعی در سطح جهانی دارد، هم از نظر محتوای داستان و هم از نظر کیفیت پروداکشن و جلوه‌های بصری. نوجوانان به‌ویژه از داستان‌های ابرقهرمانی و ماجراجویی استقبال می‌کنند اما منا به شرایط امروز سینمای ایران، هزینه‌بر بودن این ژانر و نبود حمایت مناسب، امکان ساخت چنین فیلم‌هایی از فیلمسازان ما سلب شده است. سینمای کودک ایران نیز از معیارهای اصلی خود فاصله دارد و نمی‌تواند توقع مخاطبانش را که به راحتی به آثار بین‌المللی دسترسی دارند، برآورده کند. این وضعیت باعث شده نتنها سینمای نوجوان، بلکه سینمای کودک هم خانهای آباد و مستحکم نداشته باشد. به بیان ساده، ترکیب عدم‌رغبت تهیه‌کنندگان، توقعات بالای مخاطب، محدودیت‌های تولید داخلی، نبود حمایت مناسب و فاصله از استانداردهای جهانی باعث شده است سینمای کودک نوجوان هنوز با نقطه ایده‌آل فاصله داشته باشد.

■ احمد محمدتبریزی

در سینما معمولاً کارگردان‌ها هستند که چون ستاره می‌درخشند و فیلمنامه‌نویسان کمتر در معرض توجه قرار می‌گیرند. این شاید از تناقض‌های دنیای هنر باشد که گاه تأثیرگذار ترين افراد پشت صحنه، کمتر به عموم مردم شناسانده می‌شوند و در عوض، بازیگران و چهره‌های مشهور در مرکز توجه قرار می‌گیرند.

در این میان، حسین امینی از فیلمنامه‌نویسان برجسته و تحسین‌شده سینمای جهان است که نامش به اندازه آثارش شناخته‌شده نیست. امینی در سال ۱۳۴۵ در تهران متولد شد و در ۱۱سالگی به انگلستان مهاجرت کرد. امینی تحصیلات خود را در رشته ادبیات انگلیسی در دانشگاه آکسفورد گذرانده، از آغاز فعالیت حرفه‌ای خود، توجه ویژه‌ای به ادبیات کلاسیک و مدرن و ظرفیت‌های دراماتیک آن در سینما نشان داده است. او از نسل فیلمنامه‌نویسانی است که در درک عمیق از ادبیات کلاسیک و معاصر، میان متن و تصویر پلی هنرمندانه زده‌اند. امینی تاکنون برای نگارش چندین فیلمنامه اقتباسی مورد توجه جشنواره‌های معتبر جهانی از جمله اسکار و بنف‌ا قرار گرفته و نامزد دریافت این جوایز شده است.

■ رفتن به سینما با کمک کتاب‌ها

امینی از علاقه‌مندان جدی به ادبیات و اقتباس سینمایی است و خود می‌گوید که کتاب‌ها عامل اصلی ورودش به سینما بوده‌اند. در سال‌هایی که در تلویزیون بریتانیا فعالیت می‌کرد، با مایکل وینتر باتم، کارگردان سرشناس بریتانیایی آشنا شد. وینتر باتم قصد داشت فیلمی براساس رمان مشهور «جود گمنام» نوشته توماس هاردی بسازد. او از امینی پرسید آیا کتاب را خوانده و دوست دارد؟ امینی که می‌خواست این فرصت را از دست ندهد، با صراحت می‌گوید: «به دروغ گفتم کتاب را خوانده‌ام و آن را دوست دارم، اما بعد از گفت‌وگو، سریعاً کتاب را خریدم و شروع به خواندنش کردم. خوشبختانه اثری بود که به آن علاقمند شدم و از خواندنش لذت بردم.»

در ادامه، وقتی کارگردان در اقتباس از «جود گمنام» دچار تردید بود و نمی‌دانست چگونه می‌توان داستان را به فیلمی منسجم و تأثیرگذار تبدیل کرد، از امینی کمک گرفت. این همکاری نقطه آغاز مسیر حرفه‌ای او در اقتباس ادبی شد.

■ روش امینی در مواجهه با اقتباس

امینی درباره فرایند اقتباس از آثار ادبی، دیدگاهی نظام‌مند و در عین حال شاعرانه دارد. او می‌گوید: «اگر می‌خواستم واقعاً به کتاب وفادار بمانیم، فیلم دست‌کم چهار یا پنج ساعت طول می‌کشید. من در بر خورد با فیلمنامه اقتباسی همان کاری را کردم که بعد از آن همیشه انجام می‌دهم، یعنی کتاب را می‌خوانم و آن را به تمام صحنه‌های ملموسش تجزیه می‌کنم، سپس هر صحنه را روی کارت‌هایی می‌نویسم و صحنه‌هایی را که احساس می‌کنم در آنها کم‌وکاستی وجود دارد، تکمیل می‌کنم. درباره جود گمنام کار نسبتاً ساده بود،

هنر و ادبیات

کرده سینما و ادبیات ۸۵۵۲۳۰۶۰



از «جود گمنام» تا «رانندگی»، مسیر فیلمنامه‌نویس ایرانی هالیوود که اقتباس را به هنری شاعرانه تبدیل کرد

فیلمنامه‌نویسی که با کتاب‌ها به سینما رسید

چون هاردی صحنه‌های فراوانی نوشته بود، بنابراین باید

صحنه‌هایی را که فیلم را طولانی می‌کرد، حذف می‌کردم تا بتوانم به ساختاری سینمایی برسم.»

او توضیح می‌دهد که پس از ساخته شدن فیلم، دیگر سراغ کتاب نرفته تا اثر ادبی را با نسخه سینمایی مقایسه کند، چراکه به باور او «در مرحله نگارش، باید با کتاب زندگی کرد، اما پس از تبدیل آن به فیلم، اثر ادبی باید رها شود.» امینی می‌افزاید: «وقتی روی فیلمنامه کار می‌کنم، کتاب را با‌ها و با دقت می‌خوانم تا پیش از پایان دو پیش‌نویس اولیه، ممکن است سه، چهار یا حتی پنج بار آن را بخوانم. من با کتاب زندگی می‌کنم، در اتوبوس، مترو یا هر زمان فراغت، در حال خواندنش هستم، اما وقتی فیلم ساخته شد، دیگر سراغ کتاب نمی‌روم.»

■ از «بال‌های کبوتر» تا «رانندگی»

■ مسیر شکل‌گیری یک مؤلف اقتباسی

با چنین رویکردی، امینی در ادامه مسیر حرفه‌ای خود چندین اقتباس موفق از آثار کلاسیک را نوشت، هنگامی که کمپانی تولید فیلم پیشنهاد ساخت فیلمی براساس رمان «بال‌های کبوتر» اثر هنری جیمز را مطرح کرد، او ابتدا تا انتهای کتاب را خواند، اما ایده روشنی برای اقتباس نداشت. امینی می‌گوید: «وقتی به صحنه آخر رسیدم، یعنی صحنه جدایی، ناگهان همه چیز برایم روشن شد. همان بخش پایانی بود که ایده اقتباس را به من داد و از همان جا شروع کردم به بازسازی مسیر معکوس داستان.» فیلم «بال‌های کبوتر» با فیلمنامه او ساخته و هم از نظر منتقدان و هم در میان مخاطبان با استقبال روبه‌رو شد. موفقیت این فیلم موجب شد تهیه‌کنندگان و کارگردانان برجسته دیگری برای همکاری سراغ امینی بروند. او با این تجربه، به‌عنوان یکی از فیلمنامه‌نویسان مؤلف شناخته شد که در اقتباس از آثار ادبی، زبان سینما را به خوبی می‌شناسد.

در ادامه، یکی از مهم‌ترین آثار او یعنی «رانندگی» (Drive) به کارگردانی نیکولاس ویندینگ رفن و بازی رایان گاسلینگ ساخته شد؛ فیلمی که بر پایه رمانی به همین نام نوشته جیمز سالیس شکل گرفت. رمان سالیس اثری در ژانر نوآر ادبی است؛ تاریک، منقطع و چندلایه، در حالی که امینی آن را به فیلمی شاعرانه، بصری و ترازیک تبدیل کرد. او با ساده‌سازی روایت، تمرکز داستان را از توصیف‌های ذهنی به حس و فضا منتقل کرد. بسیاری از منتقدان تأکید کرده‌اند که اگرچه فیلم وفاداری لفظی به کتاب ندارد، اما روح اثر را به‌دقت به تصویر کشیده است.

■ خلاصیت امینی در نگارش فیلمنامه رانندگی

امینی در گفت‌وویی درباره این اقتباس می‌گوید: «رمان رانندگی ساختاری غیرخطی دارد و با پرش‌های زمانی متعدد روایت می‌شود، همین امر اقتباس آن را چالش‌برانگیز کرده بود. من بارها این رمان را خواندم و شخصیت‌ها را در ذهنم به شکل‌های مختلف بازآفرینی کردم. مثلاً شخصیت چستر را به صورت مردی خوش‌پوش

رشته تحریر در آورده است. این اثر درخشان که حتی یک نقد منفی نگرفته، برنده جوایزی متعددی شده است و علاوه بر اینکه در فهرست پرفروش‌ترین‌های نیویورک تایمز قرار دارد، در بسیاری از کشورها نیز از فروش بالایی بر خوردار است.

کتاب «بالاخره یه روزی قشنگ» حرف می‌زنم» یکی از بهترین و پر مخاطب‌ترین آثار طنز سالیان اخیر است که از بهترین کتاب‌های سداریس نیز محسوب می‌شود. این اثر که اولین بار در سال ۲۰۰۰ در آمریکا انتشار یافت، خیلی زود در فهرست پرفروش‌ترین‌های نیویورک تایمز قرار گرفت. کتاب حاضر

که شامل ۲۶مقاله است، از زبان خود سداریس بیان می‌شود و از دو بخش اصلی تشکیل شده است.

کتاب بالاخره یه روزی قشنگ حرف می‌زنم را می‌توان در دسته خودزندگینامه‌ها نیز جای داد؛ زندگینامه‌ای که مملو از جزئیات خنده‌دار است و هر کسی با هر سن و سال و جایگاهی می‌تواند با آن ارتباط برقرار و همذات‌پنداری کند. کتاب حاضر تاکنون به بیش از ۳۰ زبان مختلف ترجمه شده و صدها هزار نسخه از آن در جای‌جای دنیا به فروش رفته است.

سداریس بااین کتاب تحسین منتقدان و مخاطبان را برانگیخت. او به عنوان

گذری بر کتاب «بالاخره یه روزی قشنگ حرف می‌زنم»

نویسنده‌ای هوشمند توانسته است با به‌کارگیری ساده‌ترین جزئیات زندگی و روابط خانوادگی‌اش و همراه کردن آنها با چاشنی طنز اثری تحسین شده حرف می‌زنم را می‌توان در دسته خودزندگینامه‌ها نیز جای داد؛ زندگینامه‌ای که مملو از جزئیات خنده‌دار است و هر کسی با هر سن و سال و جایگاهی می‌تواند با آن ارتباط برقرار و همذات‌پنداری کند. کتاب حاضر تاکنون به بیش از ۳۰ زبان مختلف ترجمه شده و صدها هزار نسخه از آن در جای‌جای دنیا به فروش رفته است.

سداریس بااین کتاب تحسین منتقدان و مخاطبان را برانگیخت. او به عنوان

شنبه ۱۹ مهر ۱۴۰۴ | ۱۸ ربیع‌الثانی ۱۴۴۷

تلویزیون

مروری بر تولیدات مرکز سریال «سوره» به بهانه پخش «بوچی»

قصه‌هایی که تماشایی می‌شود

■ روزه‌به‌فکور

با تغییر سبب مصرف مخاطبان و گرایش به سمت سریال‌ها و مجموعه‌های نمایشی، مجموعه‌های بزرگ سینمایی هم متوجه این ظرفیت شده و ورود جدی‌تر به این میدان را در دستور کار قرار داده‌اند. سازمان سینمایی سوره هم یکی از همین مراکز محسوب می‌شود که با راه‌اندازی مرکز سریال، تبدیل به یکی از نقش‌آفرینان چرخه عرضه و تولید مجموعه‌های نمایشی و پشتیبانی از کنداکتور پخش شبکه‌های تلویزیونی شده است. این مرکز که همین روزها پروژه «پسران هور» به‌عنوان نسخه سریالی فیلم سینمایی «شک هور» را در مسیر پخش دارد، در همکاری با باشگاه فیلم سوره، سریال «بوچی» را نیز روی آنتن تلویزیون دارد. به بهانه پخش سریال «بوچی» و بعد از آن سریال «پسران هور» مروری بر تولیدات این مرکز در سال‌های اخیر داشته‌ایم.

■ «کاتب اعظم» روایتی اقتباسی از تاریخ

یکی از اولین محصولات مرکز سریال سوره، مجموعه تله‌تئاتر «کاتب اعظم» بود. مجموعه‌ای که اقتباسی از کتاب «اعترافات کاتب کشته‌شده» نوشته ساسان ناطق بود و هم‌زمان با ایام اربعین، از شبکه ۴ سیما روی آنتن رفت تا فتح بابی برای تولیدات سریالی سوره باشد. در مجموعه تله‌تئاتر «کاتب اعظم» شبانی به خیمه کاتبان سپاه عمر بن سعد می‌رسد، او برای گرفتن پول گوسفندانش از سپاه به کارزار عاشورا آمده است و همین نقطه اتصال روایت سریال باواقعۀ عاشورا می‌شود. در این سریال به نویسنده‌گی و کارگردانی هنری مهدی غفوری و کارگردانی تلویزیونی علی عبادی، چهره‌هایی همچون امین زندگانی، سیامک صفری، نادر فلاح، نازنین فراهانی، فاطمه گودرزی، حدیث میرامینی، خسرو شهرزاد و امین میری ایفای نقش می‌کردند.

■ «جنابعلی» یک کمدی متفاوت

سریال کمدی «جنابعلی» هم از اولین تولیدات مرکز سریال «سوره» بود که به‌جای پخش از تلویزیون عرضه در پلتفرم‌ها را تجربه کرد. این سریال در نوروز ۱۴۰۱ به صورت هفتگی در پلتفرم «تلویبون» در دسترس مخاطبان قرار می‌گرفت. داستان این سریال به کارگردانی عادل تبریزی درباره جوانی به نام امیرعلی بود که با مدرک دکترا، در جست‌وجوی شغلی آبرومند بود و دست سرنوشت او را در معرض انتخابی سخت قرار می‌داد. او فرزند یک نابال در سطح پایین شهری بود و برحسب اتفاق با استاد خود روبه‌رو می‌شد و از آنجا صحنه روزگارش ورقی متفاوت می‌خورد. ایفای نقش اصلی این سریال را امیرحسین رستمی برعهده داشت و در کنار او چهره‌های دیگری همچون حسین سلیمانی، بیژن بنفشه‌خواه، میرطاهر مظلومی، بیتا سحرخیز، منوچهر آذری، مهوش وقاری، گیتی معینی و رضا بنفشه‌خواه هم در ترکیب بازیگران سرال حضور داشتند.

■ «سوران» قهرمانی از دل تاریخ معاصر



بعد از تجربه موفق «کاتب اعظم» در زمینه اقتباس، مرکز سریال سوره یکی از مهم‌ترین پروژه‌های خود را با همین پستوانه کلید زد و این‌بار سراغ اقتباس از یک رمان دفاع‌مقدسی رفت. «سوران» یکی از داستان‌های واقعی بود که از قابت تلویزیون و شبکه یک سیما تماشایی شد؛ قصه‌ای که اگر چه سعی داشت از اسامی و تاریخ‌نگاری نعل به نعل دوری کند اما شخصیت اصلی روایت را حفظ کرد و اقتباس آزادی از کتاب «عصرهای کربسکان» را به‌سرانجام رساند. سریال «سوران» به کارگردانی سروش محمدزاده روایتی از زندگی امیر سعیدزاده معروف به سعید سردرشتی بود که در این سریال نامش به سوران تغییر کرده بود و بخش‌هایی از زندگی‌اش در التهابات کردستان در نزدیکی انقلاب و پس از جنگ تصویر شد. در این سریال به تهیه‌کنندگی مجتبی فراورده، مهدی نصرتی از استعدادهای تازه‌نفس عرصه بازیگری، ایفای نقش اصلی را برعهده داشت و چهره‌های نثارتی دیگری همچون توماج دانش‌پهزادی و مریم کاظمی هم در آن ایفای نقش می‌کردند.

■ «پسران هور» به افتخار قهرمانی فراموش‌شده



فیلم سینمایی «شک هور» به کارگردانی مهدی جعفری از آثار دفاع‌مقدسی‌ای بود که در بخش سودای سیمرغ چهل‌وسوم جشنواره فیلم فجر رونمایی شد؛ فیلمی که روایتگر برش‌هایی از زندگی شهید علی هاشمی و ماجرای تراژیک چشم‌انتظاری خانوادهاش برای بازگشت پیکرش بود. این فیلم اما در واقع نسخه‌ای سینمایی از یک پروژه مهم تلویزیونی بود که مرکز سریال سوره از سال گذشته تولید آن را کلید زده است و حالا همین امسال به زودی روی آنتن می‌رود. نام نسخه سریالی این روایت «پسران هور» است که پیش‌تر با نام «قرارگاه سری نصرت» تولید آن کلید خورده بود. ایفای نقش رؤیا افشار در نقش مادر شهید هاشمی در این پروژه مورد تحسین مخاطبان و داوران جشنواره فجر قرار گرفت. بازیگران جوانی همچون ساره رشیدی، تورج الوند، رضا نامری، میثم رازفر و شبنم گودرزی هم در این مجموعه نقش‌آفرینی می‌کنند.

■ «بوچی» یک طنز ورزشی و جنجالی



یکی از اولین سستاره‌های بازیگری در سینمای بعد از انقلاب بیژن امکانیان بود که با فیلم «گل‌های داوودی» به شهرت رسید و در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ حضوری مؤثر و پررنگ در تولیدات سینمایی داشت. او حالا بعد از مدت‌ها، به‌عنوان بازیگر نقش اصلی سریال «بوچی» در قاب تلویزیون ظاهر شده است. سریال کمدی «بوچی» سال ۱۴۰۲ به کارگردانی حسن حبیب‌زاده کلید خورد و تولید آن محصول همکاری مرکز سریال سوره و باشگاه فیلم سوره است. این سریال هرشب از شبکه ۳ سیما در حال پخش است و به‌واسطه سوره جذاب و ساختار کمدی در جذب مخاطب موفق بوده است. علاوه‌بر بیژن امکانیان بازیگران مطرح دیگری همچون حسن پورشیرازی، شهره سلطانی، شهین تسلیمی، امیر غفارمنش، ستاره حسینی، مجید عراقی، وحید رحیمیان، رامین ناصر نصیر، امیر کربابلی‌زاده و فاطمه نیشابوری هم در این مجموعه ایفای نقش می‌کنند.